

مروری بر تاریخچه چاپ و چاپخانه در ایران

درآمدی بر موضوع

نیاز به اطلاعات یکی از ضروریات اساسی زندگی اجتماعی است و اهمیت مطبوعات، به‌ویژه روزنامه‌ها، نشریات و جراید بر کسی پوشیده نیست. از جمله عواملی که در روند تاریخ مطبوعات و جراید نقش تعیین‌کننده داشته، پیدایش فن چاپ و احداث چاپخانه است. پیدایش صنعت چاپ در ایران، اگر هم دارای پیشینه‌ی تاریخی بوده است، به‌طور مشخص در نتیجه‌ی شرایط حاکم بر ایران در قرن ۱۹ م رو به رشد نهاده و با پدیده‌ی روزنامه‌نگاری به‌عنوان ضرورتی نوظهور مرتبط بوده است. پیدایش روزنامه‌نگاری و صنعت چاپ در ایران عصر قاجار، اگرچه به‌مانند هرگونه اصلاحات دیگری، حرکتی از بالا و در خدمت منافع طبقه‌ی حاکم بود، اما نقش سازنده و هدایت‌گری داشته و به‌خصوص در مواقع حساس، به روشنگری و تغذیه‌ی افکار عمومی کمک کرده است. روزنامه‌نگاری نخستین بار مورد اهتمام دانشجویانی قرار گرفت که با درایت عباس میرزا و وزیر باکفایت او، میرزا عیسی قائم‌مقام فراهانی، به اروپا اعزام شدند تا با آشنایی با تمدن مدرن، راهی برای برون‌رفت جامعه‌ی سنتی ایران از عقب‌ماندگی جست‌وجو کنند. این دانشجویان و در رأس آن‌ها، میرزا صالح شیرازی، برای آشنایی با حرفه‌ی روزنامه‌نگاری و یا فراگرفتن صنعت چاپ اعزام نشده بودند و هدف اصلی از اعزام آن‌ها ضرورت‌های نظامی بود. میرزا صالح شیرازی، برحسب علاقه‌ی شخصی و البته ضرورتی که در این جهت احساس می‌کرد، این حرفه را فرا گرفت و در هنگام برگشت با خرید ماشین چاپ در این طریق قدم برداشت^۱. البته در یک نگاه سنتی، ایرانیان در اعصار پیش از اسلام و دوران بعد از اسلام با لغات روزنامه و روزنامه‌نگاری آشنایی داشتند و شاید وسائل چاپ نوشته‌ها و فرامین و سال‌نامه‌ها و آئین‌نامه‌ها را در اختیار داشته‌اند. اصل کلمه‌ی روزنامه از «روزنامک پهلوی» بوده و شعرا و بزرگانی همچون فردوسی، عنصری، ناصر خسرو، خاقانی و نظام‌الملک به این واژه اشاره کرده‌اند^۲. در دوره‌های ایلخانیان و صفویه نیز با بهره‌گیری از تجربیات دیگر ملل، تلاش‌هایی در جهت استفاده از فنون چاپ و ایجاد چاپخانه شد و گاه نیز، موفق بود. همین‌طور پیش از این که میرزا صالح شیرازی اولین اقدام مشخص را در این زمینه آغاز کند، برخی از ایرانیان عصر قاجار از طریق هند

تحت سلطه‌ی انگلیس، چاپ و چاپخانه و روزنامه و روزنامه‌نگاری را می‌شناخته‌اند. میرزا عبداللطیف خان شوشتری در کتاب «تحفه العالم» به سال ۱۲۱۶ هـ ق فصل مبسوطی با عنوان «نوشتن کتب به قالب» درباره‌ی روزنامه‌نگاری در هند نوشته است. ابوطالب محمد اصفهانی نیز در کتاب «مسیر طالبی» به سال ۱۲۱۹ هـ ق مطالب زیادی در این خصوص آورده است. شخص قائم‌مقام و عباس میرزا نیز با این فنون دنیای جدید آشنا بوده و آن را می‌شناخته‌اند^۳. به هر ترتیب، با در نظر داشتن این مهم که روزنامه‌نگاری و صنعت چاپ به شکل رسمی و مشخص‌تر آن در عهد قاجارها به وجود آمده و با اعزام دانشجویان به خارج و عملکرد شخصیت‌های مهمی هم‌چون عباس میرزا و قائم‌مقام به‌صورت غیرمستقیم و افرادی هم‌چون میرزا صالح شیرازی میرزا تقی‌خان امیرکبیر، علی‌قلی‌خان اعتضادالسلطنه، میرزا حسین‌خان سپهسالار و محمدحسن خان اعتمادالسلطنه به‌طور مستقیم مرتبط بوده است، به شرح مختصری پیرامون تاریخچه چاپ و چاپخانه در ایران می‌پردازیم.

چاپ و چاپخانه در ایران

صنعت چاپ اول بار در چین زمان سلسله‌ی تانگ (قرون اول تا سوم هجری) به طریقی ساده اختراع شد و در طی زمان رو به تکامل نهاد. در این طریق آن چه مهم است اختراع چاپ سربی توسط گوتنبرگ آلمانی در سال ۱۴۴۸ م است. گوتنبرگ به‌تدریج، دستگاه چاپی اختراعی خود را تکمیل کرد و ماشین چاپ با حروف سربی قابل‌انتقال به راه انداخت. از این پس، صنعت چاپ به‌عنوان نقطه عطفی در تاریخ علمی و فرهنگی جهان، نقش مهمی در ارتقای وضعیت کمی و کیفی مطبوعات ایفا کرد. اهمیت صنعت چاپ اختراعی گوتنبرگ به حدی است که آن را به‌عنوان یکی از عوامل زمینه‌ساز رنسانس قلمداد می‌کنند. تاریخچه‌ی صنعت چاپ در ایران قرون جدید نیز با تحولات این صنعت در ممالک اروپایی مرتبط بوده و به‌گونه‌ای از دستاوردهای ملل اروپایی بهره برده است. با این حال برای آگاهی از پیدایش و چگونگی ایجاد چاپخانه در ایران، در دو مبحث جداگانه‌ی چاپخانه قبل از زمان قاجار و چاپ و چاپخانه در دوره‌ی قاجار، تاریخچه‌ی موضوع را بررسی می‌کنیم.

پیدایش روزنامه‌نگاری و
صنعت چاپ در ایران عصر
قاجار، اگرچه به مانند
هرگونه اصلاحات دیگری،
حرکتی از بالا و در خدمت
منافع طبقه‌ی حاکم بود، اما
نقش سازنده و هدایت‌گری
داشته و به‌خصوص
در مواقع حساس، به
روشنگری و تغذیه‌ی افکار
عمومی کمک کرده است



چاپ و چاپخانه قبل از دوره قاجار

شاید بتوان دستگاه چاپی را که در زمان ایلخانان و به عهد حکومت «گیخاتو» (۶۹۳-۶۹۰) وارد ایران شد و در چاپ اسکناس موسوم به «چاو» از آن استفاده کردند، هرچند ساده، اولین دستگاه چاپ در ایران به شمار آورد. این دستگاه بسیار ساده بود و بر اساس پرس و حکاکی روی چرم استوار بود.^۲ به ظن برخی، لغات «چاپ» و «چاپخانه» از همین دوره وارد زبان فارسی شده و اصل آن از «چاو» و «چاوخانه» گرفته شده است. البته مرحوم دهخدا لغت چاپ را از ریشه «چهاپ» یا «چهاپه» سانسکریت می‌داند. با این حال به نظر می‌رسد که اولین چاپخانه با هدف استفاده در امور نوشتاری، در دوره‌ی صفویه در ایران دایر شده است. آنژ دوسن ژوزف کشیشی از فرقه «کارملی» از مردم «تولوز» که در سال ۱۰۷۱هـ.ق/۱۶۶۰م به ایران آمده و چند کتاب در مورد ایران نوشته است در کتابی که در لغت فارسی به فرانسه و ایتالیایی و لاتینی نوشته از کلماتی چون، باسمه کردن (کلمه‌ای ترکی به معنای چاپ)، قالب زدن، طبع نمودن، منطبع گردانیدن، باسمه‌خانه و باسمه‌چی نام برده که می‌تواند از وجود چاپخانه در ایران حکایت کند. دو سن ژوزف می‌نویسد: «حضرات پادریان کارملی میدان میر، بسمه‌خانه عربی و فارسی در عبادت‌خانه‌ی خودشان در اصفهان برپا کرده بودند و هنوز دارند، ارامنه نیز در جلفا بسمه‌ارمنی دارند.»^۳ از آن‌جاکه کارملی‌های موسوم به اصلاح‌شده در سال ۱۰۱۶هـ.ق/۱۶۰۷

م به ایران آمده‌اند، تاریخ ایجاد مطبعه بعد از آن تاریخ است. هدف کارملی‌ها از احداث چاپخانه چاپ اوراق ادعیه و اذکار مسیحی بوده است.^۴ ارامنه نیز در حدود سال ۱۰۴۳ هـ.ق دستگاه چاپی با حروف ارمنی در نمازخانه‌ی خود به کار گرفتند و به ایجاد چاپخانه مبادرت کردند. سی سال بعد از انتقال ارامنه از جلفا به اصفهان توسط شاه عباس در سال ۱۰۱۳ هـ.ق یک ارمنی موسوم به یعقوب ژان در سال ۱۰۵۱هـ.ق/۱۶۴۰م یک دستگاه چاپ از اروپا وارد کرد که به خاطر مشکلاتی از قبیل کم‌رنگی، سفید شدن خطوط با گذشت ایام، عدم توانایی در ساختن مرکب مناسب، علاقه‌ی عمومی به تألیفات دست‌نویس، به‌خصوص تألیف انجیل و مهم‌تر بیکار شدن عده‌ی زیادی که به کار استتساخ متون مشغول بودند، از رونق افتاد. البته چنان‌که ذکر شد، قبل از چاپخانه‌ی یعقوب ژان، ارامنه دارای چاپخانه بودند و کتاب‌هایی نظیر «حیات اجداد روحانی» (که حروف مطبعه‌ی آن به همت خاچاطور خلیفه‌ی ارامنه ساخته شده بود و الآن نیز نسخه‌ای از آن در کلیسای ارامنه موجود است) به چاپ رسیده بود.^۵ هرچند که این چاپخانه در خارج از جامعه‌ی مسیحی اصفهان مورد استفاده قرار نگرفت و با استقبال عمومی مواجه نشد؛ اما از علاقه‌ی ایرانیان به داشتن چاپخانه حکایت می‌کند. سخنان شاردن نیز این مطلب را تأیید می‌کند. شاردن می‌نویسد: «ایرانیان صد دفعه تا حال خواسته‌اند مطبعه داشته باشند، فواید و منافع آن را می‌دانند و ضرورت و سهولت آن را می‌سنجند؛ لیکن تا حال

در مورد ایجاد اولین چاپخانه و بانی آن در این زمان اختلاف نظر است؛ اما به هر حال باید آن را نتیجه حس نوخواهی همان معدود افراد آگاهی دانست که راه ایجاد و توسعه‌ی مبانی تمدنی جدید را پی ریختند

ذکاوت بود و با بهره‌گیری از همین هوش و قریحه‌ی ذاتی، به دربار قائم‌مقام راه یافته و با حمایت او به خارج اعزام شده بود، در زمان تحصیل در لندن، در رشته‌های تاریخ و جغرافیا، زبان‌های انگلیسی و فرانسه و لاتین و صنایعی هم‌چون شیشه‌سازی، مرکب‌سازی و تهیه‌ی حروف مقطعه خیره شد و بنا بر علاقه‌ی شخصی، با چاپ و چاپخانه نیز آشنا شد. خرید دستگاه چاپ نیز به خاطر علاقه‌ی شخصی و حس مردم‌دوستی او بود. از آن‌جا که میرزاصالح به دنبال این بود که علاوه بر معلومات، چیزی که به درد مردم بخورد با خود بیاورد، به فراگرفتن این فن پرداخت و در آن خیره شد. در هنگام بازگشت، با هر سختی که بود یک دستگاه چاپ سربی خرید تا پس از رسیدن به ایران آن را به هم‌وطنان عرضه کند.^{۱۱} چاپخانه‌ی میرزاصالح در سال ۱۲۳۴ هـ ق یک سال بعد از راه‌اندازی چاپخانه‌ی که زین‌العابدین از روسیه آورده بود، راه‌اندازی شد. گرچه میرزاصالح از اقدام زین‌العابدین خبر نداشت، اما چون خود این فن را فراگرفته بود و به کار خود علاقه داشت، آن را در تبریز به راه انداخت، اما به خاطر مشغله‌های دیگر، تصدی آن را به میرزا علی نامی سپرد.^{۱۲} در سال ۱۲۳۸ هـ ق میرزا جعفر نامی، که توسط عباس میرزا برای یادگیری این فن به مسکو فرستاده شده بود، نیز یک دستگاه چاپ سربی را وارد تبریز کرد. در همین چاپخانه بود که در سال ۱۲۴۰ هـ ق یک باب گلستان سعدی به چاپ رسید. همین چاپخانه است که در کتاب «چاپخانه در خارج از فرنگستان» به‌عنوان اولین چاپخانه‌ی ایرانی از آن یاد شده است. این در حالی است که قبل از آن دو چاپخانه‌ی دیگر نیز تأسیس شده بود. شاید بتوان گفت که این میرزا جعفر همان میرزا جعفر مهندس بود که همراه میرزاصالح در لندن تحصیل کرده بود. در این صورت، می‌توان گفت که وی نیز با صنعت چاپ آشنا بوده و شاید نیز در ساختن چاپخانه به میرزاصالح کمک کرده است. از این جهت می‌توان گفت که مراد از تأسیس اولین چاپخانه‌ی مذکور در کتاب «چاپخانه در خارج از فرنگستان» همان چاپخانه‌ی میرزاصالح بوده است.^{۱۳}

به غیر از چاپخانه‌های فوق‌الذکر ژنرال سمینوی روسی هم که در ادسا به کار چاپ مشغول بود، هنگامی که در سال ۱۲۴۱ هـ ق به ایران آمد؛ دستگاه چاپی را با خود آورد. لیکن معلوم نیست که چاپخانه‌ی ادسائی او چه قدر و چگونه کار کرده است.^{۱۴}

چاپخانه در تهران و سایر شهرستان‌ها

چاپخانه‌هایی که تا سال ۱۲۴۰ هـ ق در ایران احداث شده بودند، عمدتاً در تبریز بودند و حتی پایتخت حکومت قاجاری نیز از این فناوری

کامیاب نشده‌اند، برادر وزیر اعظم که آدم خیلی عالم و مقربى است در سنه ۱۰۸۷ هـ ق از من خواست تا عمله از فرنگ بیارم که این کار را به ایرانیان بیاموزد و کتب عربی و فارسی که من به او دادم به شاه نشان داد و اجازه گرفته بود، ولی وقتی پای پول به میان آمد همه چیز به هم خورد.^{۱۵}

از آن پس تا زمان قاجار شواهدی در خصوص ایجاد چاپخانه در ایران وجود ندارد. چنان‌که آمد ایجاد چاپخانه در زمان قاجار معلول تحولاتی بود که در نتیجه‌ی برخورد با دول استعماری اروپایی روی داد. هرچند در مورد ایجاد اولین چاپخانه و بانی آن در این زمان اختلاف نظر است؛ اما به هر حال باید آن را نتیجه حس نوخواهی همان معدود افراد آگاهی دانست که راه ایجاد و توسعه‌ی مبانی تمدنی جدید را پی ریختند.

چاپ و چاپخانه در دوره قاجار

نخستین چاپخانه‌ای که وجود آن در دوره‌ی قاجار مسلم است، چاپخانه‌ای است که در سال ۱۲۳۳ هـ ق یا سال قبل از آن توسط آقا زین‌العابدین تبریزی ایجاد شد. آقا زین‌العابدین به دستور عباس میرزا به روسیه رفته و آشنایی با چاپ و چاپخانه را در آن‌جا فرا گرفته بود و با خرید ماشین چاپ به ایران برگشت و با تأسیس چاپخانه شروع به فعالیت کرد. این چاپخانه با حروف سربی کار می‌کرد و پس از مدتی کتابی موسوم به «فتح‌نامه» از آن بیرون آمد. فتح‌نامه به‌عنوان نخستین کتابی که در ایران چاپ شد، به‌وسیله‌ی «میرزا ابوالقاسم قائم‌مقام» تألیف شده بود. این کتاب به زبان عربی بود و موضوع آن به جنگ‌های ایران و روس مربوط می‌شد و حوادث را تا زمان انعقاد عهدنامه‌ی گلستان (۱۸۱۳/۱۲۲۸ هـ ق) دربرمی‌گرفت. البته باید خاطر نشان کرد که مرحوم تربیت در مجله‌ی تعلیم و تربیت اولین کتاب چاپ‌شده در ایران را «جهادیه» میرزا عیسی قائم‌مقام بزرگ می‌داند. زینکو «Zinker» یکی از کتاب‌شناسان اروپایی نیز در تألیف خود موسوم به «کتاب‌شناسی شرقی» از کتابی انگلیسی با عنوان «ملاحظات در خصوص خواجه حافظ شیرازی» تألیف آگوست، ای. هرین نام می‌برد که در فوریه ۱۸۰۶/۲۱-۱۲۲۰ هـ ق در شیراز به طبع رسیده است. اگر این موضوع صحیح باشد، چاپخانه در شیراز قبل از تبریز و تهران احداث شده است.^{۱۶} چاپخانه‌ی بعدی در ایران همان است که توسط میرزاصالح شیرازی احداث شد. میرزاصالح پس از فراغت از تحصیل و به‌هنگام مراجعت به ایران، یک دستگاه چاپ خرید و با خود به ایران آورد. میرزاصالح که فردی اندیشمند و دارای

نخستین چاپخانه‌ای که وجود آن در دوره‌ی قاجار مسلم است، چاپخانه‌ای است که در سال ۱۲۳۳ هـ.ق یا سال قبل از آن توسط آقا زین‌العابدین تبریزی ایجاد شد

در ابتدا تمام دستگاه‌های چاپ که به ایران آورده شدند چاپ حروفی (سربی) بودند؛ اما این نوع چاپ دارای اشکالاتی بود که راه را برای پیدایش چاپ سنگی هموار کرد



محروم بود. در سال ۱۲۴۰ هـ.ق فتحعلی شاه میرزا زین‌العابدین را به تهران احضار کرد تا با احداث در تهران به کار طبع و نشر بپردازد. میرزا زین‌العابدین چاپخانه‌ای ایجاد کرد و با برخورداری از حمایت منوچهرخان معتمدالدوله، که یکی از بزرگان دربار بود، کتب فراوانی را که اغلب هم دینی و مذهبی بودند، به چاپ رساند. ارتباط نزدیک زین‌العابدین با منوچهرخان معتمدالدوله که او را در راه‌اندازی چاپخانه کمک کرده بود، موجب شد که محصولات این اولین چاپخانه‌ی تهران با عنوان چاپ معتمدی معروف شود. زین‌العابدین در تهران شاگردانی تربیت کرد که زیر دست او فن چاپ را یاد گرفتند. از جمله آن‌ها میرزا باقر نامی بود که بعدها نسخه‌ی «ناسخ التواریخ» سپهر را چاپ کرد. در سال ۱۲۴۵ هـ.ق فتحعلی شاه دستور داد که چاپخانه‌ی سنگی بزرگی را که توسط میرزا اسدالله نامی در تبریز احداث شده بود، با تمامی کارکنان آن به تهران بیاورند و در پایتخت به فعالیت بپردازند. این میرزا اسدالله کسی بود که با حمایت میرزا صالح شیرازی به روسیه اعزام شده بود و با فراگرفتن فن چاپ و خرید یک دستگاه چاپ در سال ۱۲۴۰ هـ.ق به ایران بازگشته و چاپخانه احداث کرده بود. این چاپخانه که با چاپ‌های سربی متفاوت بود، نخستین بار در ایران احداث می‌شد.

چاپ سنگی

در ابتدا تمام دستگاه‌های چاپ که به ایران آورده شدند چاپ حروفی (سربی) بودند؛ اما این نوع چاپ دارای اشکالاتی بود که راه را برای پیدایش چاپ سنگی هموار کرد. چاپ‌های سربی دارای کیفیت خوبی نبودند و با اغلاط املائی و مشکلاتی هم‌چون کم‌رنگی و پاک شدن خطوط مواجه بودند. این نقیصه‌ها وقتی که در کنار نوشته‌های دست‌نویس با خط نستعلیق و دیگر خطوط دارای کیفیت عالی قرار می‌گرفت، بیشتر خود را نشان می‌داد و آشکار بود که مردم به متون دست‌نویس بیشتر بها می‌دهند. از طرف دیگر، احساس مذهبی نیز که چاپخانه را پدیده‌ای خارجی می‌نگریست که به دست کافران ساخته شده، مزید بر مشکلات بود. توجه به چاپ سنگی و سعی در احداث

محروم بود. در سال ۱۲۴۰ هـ.ق فتحعلی شاه میرزا زین‌العابدین را به تهران احضار کرد تا با احداث در تهران به کار طبع و نشر بپردازد. میرزا زین‌العابدین چاپخانه‌ای ایجاد کرد و با برخورداری از حمایت منوچهرخان معتمدالدوله، که یکی از بزرگان دربار بود، کتب فراوانی را که اغلب هم دینی و مذهبی بودند، به چاپ رساند. ارتباط نزدیک زین‌العابدین با منوچهرخان معتمدالدوله که او را در راه‌اندازی چاپخانه کمک کرده بود، موجب شد که محصولات این اولین چاپخانه‌ی تهران با عنوان چاپ معتمدی معروف شود. زین‌العابدین در تهران شاگردانی تربیت کرد که زیر دست او فن چاپ را یاد گرفتند. از جمله آن‌ها میرزا باقر نامی بود که بعدها نسخه‌ی «ناسخ التواریخ» سپهر را چاپ کرد. در سال ۱۲۴۵ هـ.ق فتحعلی شاه دستور داد که چاپخانه‌ی سنگی بزرگی را که توسط میرزا اسدالله نامی در تبریز احداث شده بود، با تمامی کارکنان آن به تهران بیاورند و در پایتخت به فعالیت بپردازند. این میرزا اسدالله کسی بود که با حمایت میرزا صالح شیرازی به روسیه اعزام شده بود و با فراگرفتن فن چاپ و خرید یک دستگاه چاپ در سال ۱۲۴۰ هـ.ق به ایران بازگشته و چاپخانه احداث کرده بود. این چاپخانه که با چاپ‌های سربی متفاوت بود، نخستین بار در ایران احداث می‌شد.

به غیر از تبریز، که نخستین بار صنعت چاپ در آن‌جا رواج یافت، در خصوص سهم دیگر شهرها در راه‌اندازی این صنعت می‌توان از اصفهان و شیراز یاد کرد. احداث چاپ سربی در اصفهان به سال ۱۲۴۴

پیدایش چاپ تصویری در ایران به زمان محمد شاه برمی‌گردد. نخستین کتاب شناخته‌شده‌ای که چاپ مصور شد، کتاب «لیلی و مجنون» مکتبی بود که در سال ۱۲۵۹ هـ.ق به چاپ رسیده است



چاپ‌خانه‌هایی از این دست، که دارای نواقص کمتری بود به همین دلایل مورد نظر قرار گرفت. اعزام «میرزا اسدالله» (از اهالی فارس و از دوستان میرزا صالح شیرازی) به روسیه در جهت فراگیری چاپ سنگی نیز در نتیجه‌ی همین ملاحظات بود. چنان‌که آمد، میرزا اسدالله یک چاپ‌خانه‌ی سنگی بزرگ به تبریز آورد و با یاری میرزا رضا نامی آن را به راه انداخت. هم‌چنان‌که ذکر شد، فتحعلی شاه این مطبع سنگی و اجزاء و عمال آن را در سال ۱۲۴۵ هـ.ق به تهران فراخواند و در پایتخت مشغول به کار شدند. اولین کتابی که در این چاپ‌خانه‌ی سنگی تهران به چاپ رسید، «دیوان نشاط» اثر میرزا عبدالوهاب معتمدالدوله متخلص به نشاط بود. در سال ۱۲۵۹ هـ.ق عبدالعلی نامی اسباب چاپ سنگی را به تهران آورد و با احداث چاپ‌خانه شروع به کار کرد. در این چاپ‌خانه‌ی جدید، کتاب «تاریخ معجم فی آثار الملوک العجم» از میرزا عبدالله بن فضل‌الله به چاپ رسید. پس از آن تاریخ بطر کبیر را به چاپ رساندند. عبدالعلی آقا پس از چندی تصدی چاپ‌خانه را به میرزا باقر سابق‌الذکر واگذاشت. در شهرستان‌هایی که از آن‌ها یاد شد، نیز اغلب چاپ سنگی را راه‌اندازی کردند. روزنامه‌هایی که از نیمه‌ی دوم قرن سیزدهم هجری قمری در ایران به چاپ رسیدند، نیز همگی چاپ سنگی بودند. بدین ترتیب، با این‌که نخست چاپ سربی به ایران وارد شد، به‌علت مشکلات خاص خود، به‌سرعت جای خود را به چاپ سنگی داد. ناصرالدین شاه در سال ۱۲۹۰ هـ.ق در سفرش به فرنگ، در عثمانی چاپی سربی به قیمت پانصد لیره‌ی عثمانی خرید و به ایران فرستاد اما آن هم پس از دو سالی متروک شد. این چاپ‌خانه بعدها توسط بارون نرمان به دستور میرزا حسین خان سپهسالار جهت چاپ روزنامه «وطن» یا «پاتری» تعمیر شد؛ اما چون روزنامه پس از یک شماره توقیف شد، چاپ‌خانه نیز بار دیگر متروک ماند. چاپ‌خانه‌ی سربی دیگری را در سال ۱۲۹۶ قمری در تهران دایر کردند که آن نیز پس از مدتی تعطیل شد. آخرین بار هم در سال ۱۳۱۴ هـ.ق چاپ سربی را در تهران تأسیس کردند که تاکنون به فعالیت خود ادامه می‌دهد.

چاپ مصور

پیدایش چاپ تصویری در ایران به زمان محمد شاه برمی‌گردد. نخستین کتاب شناخته‌شده‌ای که چاپ مصور شد، کتاب «لیلی و مجنون» مکتبی بود که در سال ۱۲۵۹ هـ.ق به چاپ رسیده است. در چهار صفحه از این کتاب چهار تصویر وجود دارد که با مرکب چاپ ترسیم و به معمول زمان با دست آن‌ها را رنگ کرده‌اند. پس از آن در سال ۱۲۶۴ قمری «دیوان فضولی بغدادی» را با بیست تصویر به چاپ رساندند. بعد از

آن کتاب «روضه المجاهدین» با هشت تصویر چاپ شد. از اول محرم سال ۱۳۰۰ هجری قمری که اولین شماره‌ی روزنامه‌ی «شرف» منتشر شد تا سال ۱۳۰۹ هـ.ق هشتاد و هفت شماره‌ی آن دارای تصاویر بود. روزنامه‌ی «شرافت» هم که از صفر ۱۳۱۴ هـ.ق به چاپ می‌رسید مصور بود. روزنامه‌ی وقایع اتفاقیه به‌عنوان اولین روزنامه‌ی دولتی و دومین روزنامه‌ی ایرانی نیز از شماره ۴۷۰ (مورخ پنج شنبه ۲۱ محرم ۱۲۷۷) به بعد، مصور است و در مدت چهار سال ۸۸ شماره آن را مصور چاپ کرده‌اند. از آن پس، بهره‌گیری از چاپ مصور به تدریج در روزنامه‌های دیگر نیز معمول شد. اولین فرد ایرانی که چاپ تصویری را فرا گرفت، آقا میرزا عبداللطیف نقاش باشی اصفهانی بود. میرزا عبداللطیف از طرف امنای دولت به فرنگ فرستاده شده و در آن‌جا چاپ تصویری آموخته بود. وی از هوشمندان عصر خود بود و افراد دیگری از جمله آقا میرزا ابوتراب نقاش مخصوص وزارت انطباعات چاپ مصور را از او فراگرفته‌اند^۶. در نظر داشته باشیم که میان چاپ

میان چاپ سنگی مصور و چاپ سربی مصور تفاوت بود. چاپ سنگی مصور همانند چاپ معمولی بود و تنها تفاوت آن به مهارت نقاش در ترکیب مرکب چاپ برمی‌گشت

سنگی مصور و چاپ سربی مصور تفاوت بود. چاپ سنگی مصور همانند چاپ معمولی بود و تنها تفاوت آن به مهارت نقاش در ترکیب مرکب چاپ برمی‌گشت که مرکب آن را از مرکب معمولی غلیظ‌تر می‌ساخت، اما چاپ سربی مصور منوط به گراورسازی بود و هم زمان با پیدایش چاپ مصور در ایران، در اروپا با استفاده از تیزاب مطالب را روی چوب می‌کنند و از روی مدل حاصله به چاپ می‌رسانند.

نتیجه‌گیری

صنعت چاپ در شکل جدید خود به عنوان فرایندی که زمینه ترویج اندیشه‌ها و تبادل و تکامل افکار را فراهم کرده است، بسیار دیر به ایران وارد شد. اگر اختراع ماشین چاپ توسط گوتنبرگ در نیمه‌ی قرن پانزدهم میلادی را نقطه‌عطف تاریخ این صنعت به شمار آوریم، ورود آن به ایران با یک فاصله چهار قرن انجام شد. با این حال، اهتمام به این مقوله در آغاز رویارویی جامعه‌ی سنتی ایران با دنیای مدرن حائز اهمیت فراوان است. طبیعی است که خرید و انتقال ماشین‌های چاپ سربی و سنگی در اشکال قدیمی و احداث آن با مشقات فراوانی همراه بوده و عزم راسخی را طلب می‌کرده است. پرداختن به این مهم به عنوان یکی از مسائلی که به‌سرعت ذهن اولین دانشجویان اعزامی به خارج را به خود معطوف کرده است، حاکی از ذهن پویای ایرانی در درک عقب‌ماندگی جامعه‌ی خویش و لزوم فراگیری دانش و فنون جدید برای فائق آمدن بر مشکلات موجود بوده است. با این حال، شرایط حاکم بر ایران و به‌خصوص استحاله‌ی ساخت سیاسی در این ایام، مانع از تحول لازم در این زمینه شده و چاپ و چاپخانه و رکن متناظر با آن (روزنامه‌نگاری) را نیز مصادره به مطلوب کرده و در خدمت منافع حاکم درآورده است. با این وجود، از همان آغاز نقش مهمی ایفا کرده و به‌خصوص در رواج روزنامه‌نگاری در ایران عصر قاجار، پدیده‌ای که آن را به عنوان رکن چهارم مشروطه قلمداد می‌کنند، مؤثر واقع شده است.

منابع

- آرین پور، یحیی، از صبا تا نیما، ج ۱، چ ۵، تهران: بی نا، ۱۳۵۵.
- تاورنیه، سفرنامه، ترجمه‌ی ابوتراب نوری، چ ۳، تهران، کتابخانه‌ی سنایی، ۱۳۶۳.
- دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه، زیر نظر محمد معین و سید جعفر شهیدی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۷، ماده چاپ.
- شاردن، سیاحت‌نامه، ترجمه‌ی محمد عباسی، چ ۴، ج ۱، تهران، امیر کبیر، ۱۳۴۹.
- شوشتری، عبداللطیف، تحفه العالم، تصحیح محمد موحد، چ ۱، تهران، چاپ گلشن، ۱۳۶۳.
- صفی‌نیا، «تاریخ روزنامه‌نگاری در ایران»، مجله یادگار، س ۲، ش ۲.
- صلح‌جو، جهانگیر، تاریخ مطبوعات ایران و جهان، چ ۱، تهران، امیرکبیر، ۱۳۴۸.
- گلبن، محمد، «لغت روزنامه و نخستین روزنامه‌های چاپی در ایران» مجله بررسی‌های تاریخی، ش ۵، س ۵.
- محبوبی اردکانی، حسین، تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران، ج ۱، چ ۱، تهران، انجمن دانشجویان دانشگاه تهران، ۱۳۵۴.
- میرزاصالح شیرازی، مجموعه سفرنامه‌های میرزاصالح شیرازی، به‌اهتمام غلامحسین میرزاصالح، تهران، نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۴.
- پی‌نوشت‌ها:**
- آرین پور، یحیی؛ از صبا تا نیما؛ تهران: بی نا، ۱۳۵۵، ج ۱، ص ۵؛ تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران، ج ۱، ص؛ آشنایی با تمدن غربی و پیشروان ترقی جدید، ص ۴.
 - لغت روزنامه و نخستین روزنامه چاپ فارسی، صص ۶-۲.
 - تحفه العالم، ص ۱۸۸؛ آشنایی ایرانیان با روزنامه قبل از میرزا صالح، نقل از: مقدمه کتاب سفرنامه میرزا صالح شیرازی، ص ۱۴.
 - تاریخ و صاف، ص ۷۵-۲۷۱؛ تاریخ مطبوعات ایران و جهان، ص ۴۰.
 - تاریخ مؤسسات جدید تمدنی در ایران، ج ۱، ص ۲۰۹، به نقل از شماره ۱۱، سال سوم مجله تعلیم و تربیت.
 - لغت‌نامه دهخدا، ماده چاپ، تاریخ چاپ در ایران.
 - سفرنامه‌ی تاورنیه، ترجمه‌ی ابوتراب نوری، چ ۲، ص ۵۹۷.
 - سیاحت‌نامه‌ی شاردن، ترجمه‌ی محمد عباسی، چ ۴، ج ۱، ص ۱۳۳۶.
 - تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران، ج ۱، ص ۱۳-۲۱۱.
 - همان، ص ۲۱۲.
 - سفرنامه‌ی میرزاصالح شیرازی، ص ۳۵۳.
 - تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران، ص ۱۵-۲۱۲.
 - از صبا تا نیما، ج ۱، چ ۵، ص ۱۳۱.
 - مجله یادگار، س ۵، شماره ۱ و ۲، ص ۲۲.
 - تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران، ص ۱۸-۲۱۴.
 - روزنامه‌ی اطلاعات، شماره ۵۷۶، ۲۳ جمادی الثانی ۱۳۰۰.